خبر

نظر معاون وزارت خارجه درباره «هناس»

ترور، یک ابزار شیطانی است

علی باقری‌کنی، معاون سیاسی وزارت خارجه و رئیس تیم مذاکره‌کننده ایران پس از تماشای فیلم سینمایی «هناس» که روایتی پرتلاطم از زندگی داریوش رضایی‌نژاد از شهدای ترور هسته‌ای، همسر و فرزندش را به تصویر می‌کشد، درباره این فیلم سینمایی نظراتی را بیان کرد.

وی با اشاره به این‌که هناس می‌تواند گامی جدی در عرصه بازنمایی واقعیت باشد، بیان کرد: از دیدگاه من هناس نشان داد که ترور یک ابزار شیطانی است که توسط قدرت‌ها به‌کار گرفته شده‌است و هدف آن ممانعت از پیشرفت ملت‌هاست. همچنین تعبیر من این است که ترور به عنوان یکی از ابزار حکمرانی استکبار و ابرقدرت‌ها به‌ویژه آمریکاست.

باقری‌کنی افزود: به عقیده من هناس یک هنرنمایی هوشمندانه هم در نشان دادن حقانیت و مظلومیت ایران برای دستیابی به حقوق و تأمین منافع خود و هم در نشان‌دهی رذالت و کینه دشمنان نسبت به ملت ایران است. هناس دو روی این واقعیت که یکی از آنها شهادت است و سعادتی که نصیب شهید رضایی‌نژاد شد و روی دیگر که شقاوت است و جنایتی است که توسط دشمنان ایران هدایت و عملیاتی شد، را به نحو خوبی بازنمایی می‌کند. موضوع ترور به‌رغم این‌که در طول چهار دهه گذشته یکی از موضوعات مهم جامعه ما بوده است اما پرداخت هنری به سزایی به آن نشده‌است.

گزارش

نگاهی به اهمیت روند قانونی صادر نکردن پروانه نمایش برای فیلم «برادران لیلا»

مقابله با سلاخی فرهنگ به‌دست قانون‌شکنان

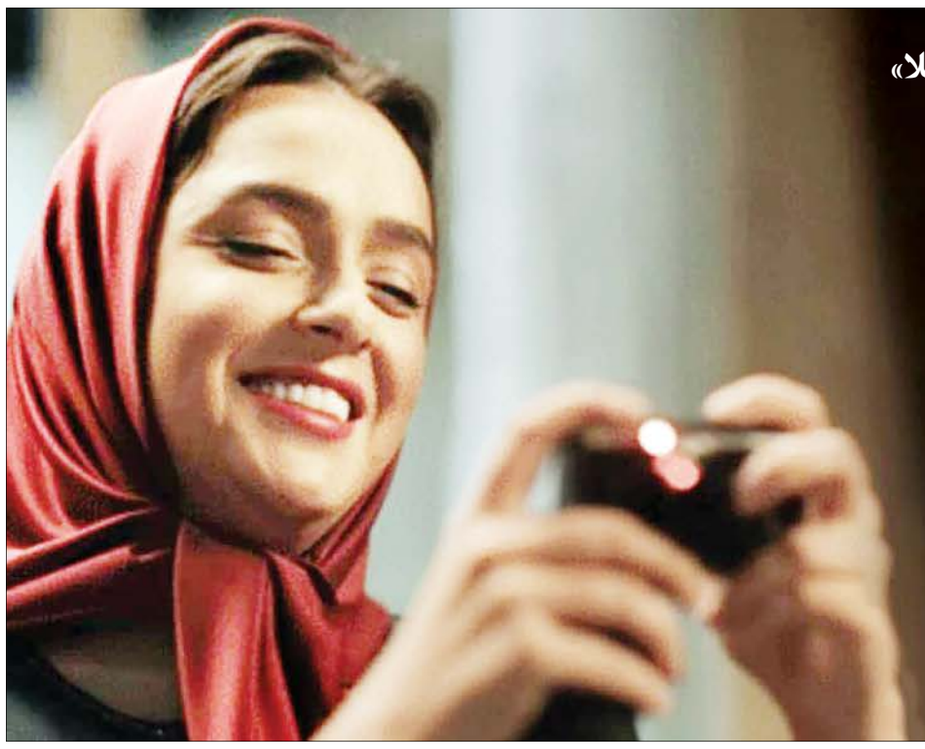

محمدحسین الوند
نویسنده و پژوهشگر

فیلم «برادران لیلا» حلقه محاصره‌ای است برای القای یک وضعیت بغرنج، طولانی و جعلی از شرایط ایران. آنچه که در درام به ظاهر ساده فیلم روستایی به چشم می‌خورد، کاراکترسازی براساس موقعیتی استعاری از ایران کنونی است. لیلایی که به پای تمام بی‌کفایتی‌های پدر و برادرانش می‌سوزد و لاجرم درگیر تصمیمات آنها می‌شود؛ زنی است با چشمان منتظر برای ساختن حداقل‌هایی در برون‌رفت از بحران. فرهاد اصلانی که چندی پیش به جمع متهمان پویش «می تو» پیوسته در این فیلم نقش شخصیتی شکست‌خورده و مضمحل را بازی می‌کند. او نگهداری و نظافت توالت عمومی را در پاساژ لوکسی به عهده دارد که لیلا در آن کارمند اداری است. او از اضافه‌وزنی فاحش رنج می‌برد و چهره برافروخته و باد کرده‌اش نشان از اضمحلالی تدریجی در گردابی از روندهای تو خالی است، مردی که هرازگاهی برای تأمین جیره غذایی خانواده‌اش از خانه پدری غذا می‌دزدد و به امید پسردار شدن هرسال بچه‌دار می‌شود و زنش دخترتازه‌ای برایش می‌زاید.

روستایی با خلق کاراکترها، چند موقعیت را نشانه می‌رود که بسته به خط سیر داستان هرکدام را پرده‌برداری می‌کند، فیلم از درامی ساده با پرهیز از وضعیت‌های ملودرامی و با ضرباهنگی حساب‌شده برخوردار است. اصلانی و توالتی که از آن نگهداری می‌کند، پورصمیمی در نقش بزرگ خانواده، خانواده‌ای فروپاشیده با گروتسکی مضحک و اساسی بر باد، محمدزاده و سکوتی از منظر بی‌دستوارگی و فروشنده کاری که در برابر عرق ریزانش، با بورژوازی و نئولیبرالیسم روبه‌رو می‌شود، معادی و حس رذیلانه ناموفقی در رسیدن به آمال بورژوایی نوین و درگیری با خرده ایده‌های کلاهبرداری، محمدی و انتلکتی ورزشی از نوع عامه‌گرایانه سر در برف و خواب خرگوشی، مجموعه تمام کاراکترسازی‌ها در واقع بازآفرینی مانیفست جعلی کشوری بی‌سامان است.

این خاتون برای ما پسرزا نیست!

پورصمیمی دودزده و فرتوت در آرزوی صدرنشینی خنده‌دار خود، ثروت خانوادگی‌شان را به باد می‌دهد و در همین حین، اصلانی همچنان فرزنددار می‌شود و از مردم در ازای قضای حاجت پول می‌گیرد و نان دزدی می‌کند، موقعیتی که از منظر کارگردان روایتگر حاکمیتی بلندپرواز و کوتاه‌قامت در فرآیندی مضحک و البته دهشتناک است و قوه قهریه‌اش روزبه‌روز به هوای فروزان شدن فقط گند بالا می‌آورد و اصطلاح «این خاتون برای ما پسرزا نیست» را به یاد مخاطب می‌اندازد. توالت‌داری که دستش در جیب مردم است و حتی برای پسماندگذاری از آنها جیره‌کشی می‌کند، هم معاندتی از سر نگاه‌های چند سویه به حاکمیت ملی کشور است، نماینده طبقه فرودست از همه جا رانده شده. پرولتاریای ایرانی با نمایندگی محمدزاده و علیدوستی در فیلم، آنها نمایندگان بالقوه طبقه در حال فرونشست متوسط و سقوط کرده‌ای هستند که نگران وضع مملکت خویش از هر جانفشانی بی‌سببی مضایقه نمی‌کند و آخرهم به خاک سیاه می‌نشیند. معادی نماینده اصلاحات در بازی سیاسی کشور است، کسی که تمام تجددش در کلاهبرداری‌های نوین‌تر از زنان دزدی‌های اصلانی خلاصه می‌شود، کسی که لیلا حتی از سر ناچاری به سویش کشیده می‌شود و با او برای نجات وضع خانواده جلسه می‌گذارد، محمدی اما تلخندی گوشه لب و حتی به دور از قضاوت تصویر برای جمع بلاتکلیف توده ملت است، کسی که آمال و آرزوهای کوچک‌شده‌اش فارغ از ماجرای حلقه کنش اصلی درام جای می‌گیرد و اساسا پتانسیلی بالفعل برای سیاه لشکری پشت هرعقیده اکثریت محوری در زمان است.

فیلم‌هایی که بوی نا می‌دهد!

در بی‌شمار فیلم‌ها، حتی تصویر شهری و دکور منازل و رنگ دیوارها هم بوی فرسودگی و کهنگی و نا می‌دهد و تصویری در آمیخته از جهانی عقب رانده شده را به تماشاگر القا می‌کند. در حالی‌که سینمای رئالیسم، باید تصویری واقع‌گرایانه و شفاف از موقعیت زمانی جامعه باشد. موضوع جایی اهمیت بیشتری پیدا می‌کند که گونه بازتولید شده رئالیسم در سینما و حتی تئاتر از این رویه در جهت همپوشانی ضعف‌های هنری و فنی اثر بهره می‌برد و باید گفت که رئالیسم سیاه کنونی به مثابه شالی زرین درآمده که نقص‌ها و عیوب اثر را می‌پوشاند و آن را در جایگاهی فراواقعی نسبت به کیفیت درونی خود قرار می‌دهد، برادران لیلا نیز از این امر مستثنا نیست. فیلم در روندی قابل پیش‌بینی از دید حرفه‌ای و با متدی کاملا عیان پیش می‌رود و اثری کاملا در حد متوسط را بازتاب می‌دهد. ماجرایی که از جانبی مهم‌تر، تن به اگزوتیسم نوین به معنای خرید محتوای ضدوطنی در ازای جایزه می‌دهد و سینماگر را تا حد جایزه‌بگیری برای فروختن ماحصل فرهنگ و خرده‌فرهنگ‌ها در خدمت رسانه تلخ و زهرآلود تنزل می‌دهد. تا جایی که وقتی خبر شرکت داده شدن فیلم در کن به گوش می‌رسد، عطای نمایش کشوری اثر را به لقایش می‌فروشد و دسته‌جمعی در توفیق اثر همکار می‌شود که هرچه زهر دارد بریزد و بگزند و نیشتر بزند.

عملکرد دیرهنگام اما مقبول سازمان سینمایی

امری که به‌واسطه عملکرد دیرهنگام ولی مقبول مدیران سینمایی ارشاد به صادر نکردن پروانه نمایش فیلم منجر می‌شود. جا دارد نهیبی بر سر مدیران تئاتری کشور زد که اگر در این موارد تجربه کافی و مشاوران درستی ندارند، کار را از سیر و روند سینمایی‌های ارشاد مشق کنند. مساله‌ای که اهمیت صدچندان دارد نه نگاه هنرمندونه رفتارهای خارج از عرف و مضحکانه عوامل فیلم است بلکه باید زمینه سوءاستفاده از شال زرین رئالیسم غیرواقعی، شیادانه و سیاه‌انگارانه برچیده شود و جای آن را رئالیسم منتقدانه واقع‌گرا بگیرد.

نگاه

رقابت برای چرک کردن واقعیت

جای تعجب ندارد که سازمان سینمایی با رد دیده‌شدن نسخه نهایی فیلم نسبت به محتوای آن اظهار بی‌اطلاعی می‌کند چرا که برادران لیلا درواقع روایتی تک‌پرده از سلاخی یک بنیان در دستان بی‌کفایت دیوانگان رهیده از قفس است که امبینانس کلی در نهان اصلی‌ترین کاراکتر غیرانسانی و کانسپشوال درام است که خون‌ریزی نمادین‌اش را روی شاهرگ‌های دختری می‌بینیم که وام‌گیرنده نماد محور آن است. درحقیقت لیلا نام همین امبینانس است و برادران لیلا هرکدام بخشی از همین امبینانس خونین. فیلمی که براساس تئوری و تفکرات معاندان شکل گرفته و تصویری غیرواقعی و انتزاعی از ایران را بازتاب می‌دهد و برای عرضه آن از هیچ قانون‌شکنی‌ای دریغ ندارد، حتی دورزدن مجوزهای حضور در جشنواره‌های خارجی!

درحالی‌که سینمای امروز قرار بود تصویری مطابق با تغییر جهت سینمای ایران پس از انقلاب باشد. تغییری برای گریز از بزک‌های عامه‌پسند شبه‌فیلم فارسی با قهرمان‌های زرد و کاراکترهای پوشالی. تغییری که با رئالیسم اجتماعی تطابق دارد. متاسفانه نبود مدیریت صحیح به رقابت حداکثری فیلمسازان جریان خاص برای هرچه چرک نمودن تصویر واقعی از داخل ایران منجر شد. از این طریق طی هشت سال در دولت حسن روحانی عملا خوراک رسانه معاند را با بودجه وزارت ارشاد و سازمان سینمایی تامین کردند.

سینمای جهان

افشاگری برادلی کوپر

هالیوود سرشار از حسادت‌هاست

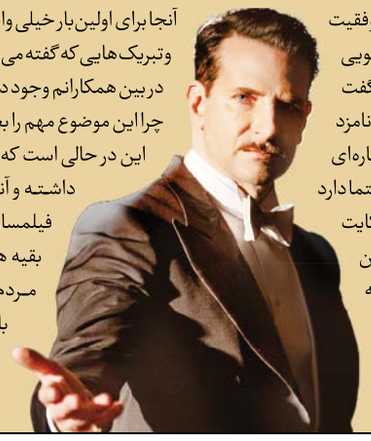

کیکاووس زیاری
گروه فرهنگ و هنر

آیا قرار است هالیوود با یک موج تازه افشاگرانه و جنجالی همچون جنبش «من هم» روبه رو شود؟ اظهارات اخیر برادلی کوپر، بازیگر سرشناس سینما در رابطه با وجود حسادت و حب و بغض زیاد در هالیوود، از یک سو توجهات را به خود جلب کرده و از سوی دیگر این تحلیل را پیش‌روی منتقدان و تحلیلگران سینمایی قرار داده که ظاهرا قرار است موج جدیدی از اعتراض‌ها و افشاگری‌ها در سینمای آمریکا به راه بیفتد. کوپر در اقدامی غیرمنتظره و شوک‌آور و بدون نام‌بردن از فرد خاصی، پرده از حسادت فراوان و پنهان موجود در هالیوود برداشت و گفت، بسیاری از هالیوودنشینان و همکارانش در عالم سینما، چشم دیدن موفقیت دیگر همکاران‌شان را ندارند. این بازیگر در مصاحبه با یک برنامه رادیویی چنین گفت: «یک روز یکی از فیلمسازان سرشناس سینما با تعجب به من گفت ما در چه دنیایی زندگی می‌کنیم که کسی چون تو توانسته هفت بار نامزد دریافت جایزه اسکار شود! این اتفاق دو سال قبل و زمانی رخ داد که «ستاره‌ای متولد می‌شود» را کارگردانی کرده بودم. اول حرفش را باور نکردم و گفتم حتما دارد شوخی می‌کند اما لحن بسیار جدی او و ناراحتی‌اش از موفقیت من، حکایت از چیز دیگری داشت. البته این فیلمساز مشهور برای توجیه حرفش به این نکته اشاره کرد که فیلمسازان مطرح دیگری هستند که نتوانسته‌اند به موفقیتی شبیه موفقیت من دست پیدا کنند و منظورش این است که در وهله نخست باید از آنها تقدیر شود و بعد نوبت من برسد. هیچ‌وقت این حرف‌ها را فراموش نکردم و باید بگویم تاثیر بسیار بدی بر من گذاشت. آنجا برای اولین بار خیلی واضح و روشن متوجه این موضوع شدم که پشت لبخندها و تبریک‌هایی که گفته می‌شود، متاسفانه یک رگ بسیار قوی حسادت و تنگ‌نظری در بین همکارانم وجود دارد.» کوپر در این مصاحبه در این رابطه صحبت نکرد که چرا این موضوع مهم را بعد از دو سال و با تاخیر در اختیار رسانه‌ها گذاشته است. این در حالی است که حرف‌های او بازتاب وسیعی در بین منتقدان و اهل فن داشته و آنها می‌گویند مورد کوپر تنها مورد حسادت در بین فیلمسازان و بازیگران آمریکایی نیست و شاید زمان آن رسیده که بقیه همکاران کوپر هم تجربه‌های تلخ خود را در این رابطه با مردم عادی به اشتراک بگذارند. در همین حال، کوپر با این انتقاد هم روبه‌رو شده که چرا در مصاحبه‌اش نام آن فیلمساز مشهور را ذکر نکرده و ترجیح داده هویت او را همچنان مخفی نگه‌دارد. / ان‌ام‌ای

تلنگر

آنها به هیچ‌وجه تعارف ندارند!

سعید مستغاثی
مستندساز و کارشناس سینما

وقتی در ۱۸ ماه می سال ۲۰۱۱ لارس فون‌تریر، فیلمساز محبوب فرانسوی‌ها در کنفرانس خبری پس از نمایش فیلمش (ملانکولیا) در جشنواره فیلم کن، شوخی کوچکی با اسرائیل کرد، مسوولان این جشنواره با صدور بیانیه‌ای اقدام به اخراج وی از جشنواره کن کردند و بدون آن‌که به عذرخواهی وی توجه کنند، در بیانیه خود نوشتند: هیات مدیره جشنواره عمیقا از این‌که لارس فون‌تریر از جلسه بحث و تبادل‌نظر برای بیان سخنانی غیرقابل‌قبول، تحمل‌ناپذیر و مغایر با ایده‌آل‌های جشنواره استفاده کرد، متاسف است. هیات مدیره جشنواره کن در بیانیه خود ضمن محکوم‌کردن قاطعانه سخنان فون‌تریر، وی را عنصر نامطلوب (persona non grata) اعلام کرد! این در حالی بود که پیش از آن لارس فون‌تریر، ۱۴ بار نامزد دریافت جوایز مختلف این جشنواره شده و شش جایزه از جمله نخل طلا، جایزه بزرگ و همچنین جایزه ویژه هیات داوران را طی سال‌های مختلف دریافت کرده بود.

سال ۲۰۱۸ هم کوین هارت (کمدین مشهور آمریکایی) در حالی که برای اجرا و میزبانی مراسم اسکار انتخاب شده بود، به دلیل اظهارنظر مخالف درباره همجنسگرایی در سال ۲۰۰۹ (یعنی ۹ سال قبل از این‌که به عنوان مجری اسکار انتخاب شود) بدون هیچ‌گونه توضیحی، حذف و این مراسم بدون مجری برگزار شد. در سال ۲۰۲۱، جی کی رولینگ (خالق هری پاتر و مجموعه قصه‌های آن) از شرکت در مراسم بیستمین سالگرد اکران اولین قسمت هری پاتر، به دلیل انتقاد به همجنسگرایی محروم ماند و او را به مراسم راه ندادند. همین اتفاق چند سال پیش در جشنواره فیلم کن برای آلن دلون (بازیگر معروف تاریخ سینمای فرانسه) افتاد و خواستند تقدیر جشنواره از وی به دلیل آنچه درباره صلاحیت نداشتن همجنسگراها برای حضانت بچه‌ها گفته بود، لغو شود.

کنتارو کوباياشی، کارگردان، بازیگر، کمدین و هنرمند ژاپنی که مدیریت هنری مراسم افتتاحیه المپیک توکیو را به‌عهده داشت نیز به دلیل یک شوخی ساده در حدود ۲۳ سال پیش با هولوکاست در یک نمایش بچگانه، در آستانه آغاز بازی‌ها از این المپیک و مسوولیت کارگردانی هنری مراسم افتتاحیه آن، اخراج شد. وقتی برایان دی پالما (یکی از پنج غول هالیوود نوین همراه اسپیلبرگ و کاپولا و اسکورسیزی و جورج لوکاس) فیلم Redacted را در انتقاد به یکی از جنایات آمریکا در عراق ساخت، برای همیشه از هالیوود حذف شد، همچنان‌که میلوش فورمن (کارگردان) و سال زنتز (تهیه‌کننده) که دو فیلم ماندنی پرواز بر فراز آشیانه فاخته (یکی از سه فیلمی که در تاریخ اسکار هر پنج جایزه اصلی را برده) و آمادئوس (برنده ۹ جایزه اسکار) را تولید کرده بودند، بعد از ساخت فیلم انتقادی اشباح گویا در سال ۲۰۰۶ -که تاریخ حقوق بشر غرب را زیر علامت سوال می‌برد- برای همیشه از هالیوود رانده شدند و در گمنامی و عزلت فوت کردند. این سانسور مهیب در سینمای هالیوود را بری لوینسون (فیلمساز اسکاری و سازنده آثار مهمی مانند رین‌من) در فیلم به‌یاد ماندنی آنچه اتفاق افتاد، به گونه‌ای طنزآمیز به تصویر کشید اما او نیز به‌رغم همه جایگاهی که در هالیوود داشت، همانند شخصیت اصلی فیلمش، موقعیت خود را در این کارخانه به اصطلاح رویاسازی از دست داد. این واقعیتی است که نشان می‌دهد، در سینمای ایدئولوژیک غرب به‌خصوص در هالیوود، با کسی شوخی و تعارف ندارند ولو این‌که مهم‌ترین و اصلی‌ترین فیلمسازان و شخصیت‌های هنری و سینمایی بوده و کارنامه‌ای درخشان داشته باشند. آنها بر سر اصول و ایدئولوژی صلیبی - صهیونی خود به هیچ‌وجه کوتاه نمی‌آیند و همه ژست‌های به اصطلاح هنری و دیپلماتیک خود را زیر پا له می‌کنند.

نوبت اول

آگهی فراخوان مناقصه عمومی یک مرحله‌ای

شرکت ملی گاز ایران
شرکت مجتمع گاز پارس جنوبی

شرکت مجتمع گاز پارس جنوبی در نظر دارد، خدمات مورد نیاز خود را با شرایط ذیل به‌صورت برگزاری مناقصه عمومی یک مرحله‌ای از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (سامانه ستاد) تامین نماید.

شماره فراخوان در سامانه ستاد ایران	۲۰۰۱۰۹۳۴۹۸۰۰۰۳۴۸
شماره مناقصه	۰۰/۹۰۵۲ (تجدید ۱)
موضوع مناقصه	اجرای خط فشارگیری ردیف‌های گازی از خط سراسری IGAT پالایشگاه نهم مجتمع گاز پارس جنوبی
مبلغ تضمین شرکت در فرآیند ارجاع کار	۳/۴۵۹/۵۹۳/۳۲۵ ریال
نوع تضمین شرکت در فرآیند ارجاع کار	تضمین شرکت در فرآیند ارجاع کار به‌صورت یکی از تضامین قابل قبول وفق آیین‌نامه تضمین شماره ۱۲۳۴۰۲/ت۵۰۶۵۹ هـ مورخ ۹۴/۰۹/۲۲ هیات وزیران می‌باشد.
مبلغ برآورد اولیه مناقصه	۶۹/۱۹۱/۸۶۶/۴۹۹ ریال
آخرین مهلت دریافت اسناد ارزیابی کیفی در سامانه ستاد	۵ روز پس ازدرج نوبت دوم آگهی در صفحه اعلان عمومی سامانه ستادایران می‌باشد.
آخرین مهلت بارگذاری و ارسال مستندات ارزیابی کیفی (رزومه) در سامانه ستاد	حداکثر ظرف مدت ۲ هفته پس از انقضای مهلت دریافت اسناد می‌باشد.
آخرین مهلت بارگذاری پیشنهادات مالی در سامانه ستاد	حداکثر ظرف مدت ۱۰ روز پس از توزیع صورتجلسه توجیهی قبل از پیشنهاد نرخ می‌باشد.
آدرس مناقصه‌گزار	استان بوشهر، شهرستان کنگان، کیلومتر ۱۵ جاده عسلویه،سایت ۲ منطقه ویژه انرژی پارس،پالایشگاه نهم (فاز ۱۲)

بدیهی است کلیه فرآیند برگزاری مناقصه الکترونیکی از طریق درگاه سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (**سامانه ستاد**) به نشانی: WWW.SETADIRAN.IR انجام می‌پذیرد و به پیشنهادهای خارج از سامانه مذکور هیچ گونه ترتیب اثری داده نخواهد شد و مناقصه‌گران بایستی نسبت به ثبت‌نام در سامانه ستاد و دریافت گواهی امضاء الکترونیکی اقدام نمایند. مناقصه‌گران می‌توانند جهت کسب اطلاعات بیشتر به سایت WWW.SPGC.IR مراجعه و یا با شماره تلفن‌های ۳۷۹۷-۰۷۷۳۱۴۶۳۸۱۹ تماس حاصل فرمایند.

روابط عمومی شرکت مجتمع گاز پارس جنوبی

آگهی مناقصه عمومی
شماره ۴۰۱۱۰۲

نوبت اول

فرماندهی پشتیبانی منطقه تهران نزاجا در نظر دارد، **اقلام مشروحه ذیل را برابر شرایط و مشخصات موجود از طریق مناقصه عمومی خریداری نماید.**

متقاضیان ضمن در دست داشتن اصل فیش واریزی به مبلغ **۵۰۰/۰۰۰ ریال** به حساب **۰۶۱۵۸۸۰۰۱۴۵۸۰۶** بانک سپه به‌نام وجوه متفرقه پشتیبانی منطقه تهران بابت هزینه اوراق هر یک از مناقصه های موصوف و با ارایه معرفی‌نامه کتبی، از تاریخ درج آگهی **۱۴۰۱/۰۴/۰۵** به مدت **۱۰ روز** می‌توانند با مراجعه به مدیریت خرید و پیمان واقع در جاده قدیم کرج، سه راهی شهریار، بعد از ریل راه آهن، پشتیبانی منطقه تهران نزاجا نسبت به دریافت اسناد مناقصه اقدام نمایند. متقاضیان جهت کسب اطلاعات بیشتر می‌توانند با شماره تلفن **۶۶۲۸۳۶۸۹** و نمابر **۶۶۲۸۱۶۲۳** تماس حاصل نمایند.

ردیف	نوع جنس	مقدار	واحد	نوع مناقصه
۱	آبلیمو	۶۵,۰۰۰	کیلوگرم	دو مرحله‌ای (تجدید)
۲	عسل	۲۰,۰۰۰	کیلوگرم	دو مرحله‌ای
۳	لپه	۶۷,۰۰۰	کیلوگرم	یک مرحله‌ای
۴	سیب زمینی	۹۰۰,۰۰۰	کیلوگرم	یک مرحله‌ای
۵	پیاز	۶۳۰,۰۰۰	کیلوگرم	یک مرحله‌ای

فرماندهی آماد و پشتیبانی منطقه تهران نزاجا